

## ناگفته‌هایی از قصص الانبیای دیدوزمی

کاظم دزفولیان<sup>۱</sup> - غلامرضا رفیعی<sup>۲</sup>

### چکیده

تأکید قرآن کریم به دانستن سرگذشت پیامبران سبب شد که از همان سالیان آغازین حیات دین مبین اسلام، در کتاب‌های تفسیر و تاریخ به قصص انبیا پرداخته شود و در دوره‌های بعد آثار مستقلی در شرح زندگی و بیان قصص انبیا پدید آید. از میان انبوه این کتاب‌ها می‌توان به نسخه خطی قصص الانبیای «محمد بن حسن دیدوزمی» اشاره کرد. هویت مؤلف نامعلوم است و همه فهرست‌نویسانی که از وی و اثرش یاد کرده‌اند، کتاب وی را «نفایس العرایس و قصص الانبیاء» نام نهاده، آن را ترجمه فارسی قصص الانبیای محمد بن عبدالله کسائی دانسته‌اند. از متن عربی کتاب کسائی دو ترجمه فارسی به صورت نسخه خطی از قرن هفتم در دست است. با مقایسه متن عربی قصص الانبیای کسائی و ترجمه‌های فارسی موجود از آن با متن کتاب دیدوزمی مشاهده می‌شود بین آن‌ها ارتباطی نیست؛ بنابراین به نظر می‌رسد گزارش فهرست‌نویسان در این باره نادرست باشد. این پژوهش سعی دارد با ارائه دلایل و قرائنی بیان کند که قصص الانبیای دیدوزمی نمی‌تواند ترجمه عربی کتاب کسائی باشد بلکه بازنویسی کتاب «تاج القصص» ابونصر احمد بن محمد بخاری (قرن چهارم هجری) است.

### واژه‌های کلیدی

قرآن، قصص الانبیا، دیدوزمی، کسائی، نفایس العرایس، تاج القصص ابونصر بخاری

### مقدمه

نویسندگان و تاریخ‌نگاران مسلمان به ویژه ایرانیان از دیرباز از قصص الانبیا به عنوان گونه‌ای از ادب داستانی بهره برده‌اند. ارزش و اهمیت این آثار از چند جهت قابل توجه است؛ نخست آن که چون این گونه متون به شرح و بسط قصص قرآن پرداخته‌اند، جنبه دینی دارند. از طرفی چون به ثبت وقایع تاریخ زندگی پیامبران و سایر اقوام بشری

<sup>۱</sup>؛ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران K\_Dezfoulian@sbu.ac.ir

<sup>۲</sup>؛ دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) gr\_rafiei@sbu.ac.ir

پرداخته‌اند، صرف‌نظر از هرگونه داوری در صحت و سقم مطالب آن‌ها، باید آن‌ها را متون تاریخی به شمار آورد. دیگر آن که چون متن آن‌ها به لحاظ ساختار داستانی و سبکی در مطالعات ادبی مورد نظر قرار می‌گیرد، می‌توان آن‌ها را در زمره متون ادبی قلمداد کرد. در برخی از این‌گونه متون، هنرهای دیگری همچون خط و خوشنویسی، تجلید، تذهیب و مینیاتور نیز راه یافته است و قصص الانبیاء موجب رونق این‌گونه هنرها بوده‌اند. ارتباط این‌گونه آثار با علوم اسلامی و تاریخ ادیان، سبب جذابیت آن‌ها شده است و زمینه‌ساز مطالعات و تحقیقات اسلامی در جهان غرب شده است. آن‌گونه که برخی پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتاب‌های محققان علاقمند به پژوهش در حوزه مطالعات اسلامی به این موضوع اختصاص یافته است. بیان این‌گونه قصص تنها برای سرگرم ساختن مخاطبان نبوده بلکه با نگاهی اجمالی به این آثار می‌توان دریافت که هدف غایی مؤلفان آن‌ها تبیین الگویی اخلاقی برای زندگی بشری بوده است؛ الگویی که از رهگذر آشنایی با وقایع زندگی پیامبران الهی و شیوه ارتباط آن‌ها با خدا و مردم می‌توان ترسیم کرد. باید گفت که قصص انبیا اگر چه زندگی و منش پیامبران را به تصویر کشیده است و وقایع آن‌ها مضمون‌ساز برخی آثار ادبی به‌ویژه شعر دینی و عرفانی شده است اما نمی‌تواند همچون قرآن، متون تفسیری و احادیث مشهور، منبع موثق و مستقلى برای مطالعه و پژوهش درباره تاریخ زندگی پیامبران باشد.

### پیشینه تحقیق

درباره قصص الانبیای دیدوزمی تاکنون هیچ‌گونه تحقیق جامعی صورت نگرفته است و نسخ خطی موجود از آن، معرفی، تصحیح و چاپ نشده‌است.

### پیشینه نگارش کتاب‌های قصص انبیا

سرگذشت پیامبران یکی از موضوعاتی است که از همان سال‌های آغازین حیات دین مبین اسلام در میان مسلمانان به آن اقبال شد و یکی از نخستین فنون معارف قرآنی بود که در کنار علم تفسیر و سایر علوم اسلامی اهمیت یافت ابن قتیبہ دینوری (م. ۲۷۶) در کتاب «المعارف»، «مبتدا الخلق و قصص الانبیاء» را نخستین فن از فنون معارف معرفی کرده است (ابن قتیبہ، ۱۹۶۹: ۳). وی فصل نخست این کتاب را به بیان مختصر داستان زندگی پیامبران پیش از اسلام - به ترتیب تاریخی - اختصاص داده‌است. در کشف الظنون آمده است: «نخستین کسی که کتاب قصص الانبیاء را نوشت، وهب بن منبه است» (حاجی خلیفه، ۲۰۰۷: ۱۳۲۸). همچنین صاحب کتاب «مصادر الفکر الاسلامی فی الیمن»، کتاب «المبتدا» را از مؤلفات وهب در این موضوع دانسته است (محمد الحبشی، ۲۰۰۴: ۱۷). در ابتدا کتاب‌های قصص انبیا اغلب با عنوان «المبتدا» نامیده می‌شده است. کتاب‌های المبتداً صرفاً داستان خلقت پدیده‌ها نبودند و قصه پیامبران پیش از حضرت محمد (ص) را نیز در خود جای می‌دادند.

بیان قصص انبیا نه تنها در قرآن که در کتب پیشین الهی نیز مرسوم بود؛ چنان‌که بخش دوم عهد عتیق به قصه پیامبران اختصاص دارد. همچنین سرگذشت آفرینش عالم و حضرت آدم، نوح و طوفان، ابراهیم و اسماعیل، یعقوب و یوسف و موسی، با تمام جزئیات، در بخش‌های «پیدایش و خروج»<sup>۱</sup> تورات مذکور است و در انجیل نیز درباره وقایعی از قبیل معجزات عیسی (ع) به تفصیل سخن گفته شده‌است. مورخان و دانشمندان اسلامی به سبب اهمیت موضوع و تأکیدی که قرآن کریم به دانستن سرگذشت انبیای پیشین داشت،<sup>۲</sup> در تدوین قصه انبیا همت کردند و از رهگذر همین مساعی،

آثار فراوانی با عناوینی نظیر «قصص الانبیاء»، «تاریخ انبیاء» و «تاریخ رسل» به زبان عربی و فارسی پدید آمد. از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین کتاب‌های قصص انبیا که به دست ما رسیده‌است، می‌توان از عرایس المجالس فی قصص الانبیا اثر ابواسحاق احمد بن محمد بن نیشابوری معروف به «ثعلبی» (م. ۴۲۷) نام برد که به زبان عربی نوشته شده‌است. همچنین باید به قصص الانبیاء اثر ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری (قرن پنجم) و تاج القصص اثر ابونصر احمد بخاری (تالیف ۴۷۵)، قصص الانبیای دیدوزمی (احتمالاً قرن هفتم) به زبان فارسی و قصص الانبیاء اثر محمد بن عبدالله کسائی به زبان عربی و ترجمه‌های فارسی آن اشاره کرد. این منابع الگویی برای آثار سده‌های میانی و بعد از آن محسوب می‌شوند. در سده هفتم، قصص الانبیا اثر ابوالحسن بن الهیصم البوشنجی و در قرن هشتم آثاری همچون قصص الانبیاء عمادالدین ابی الفداء اسماعیل بن کثیر (۷۷۴ - ۷۰۰) و قصص الانبیاء اثر قطب‌الدین سعید بن هبه‌الله‌راوندی (م. ۷۸۶) حائز اهمیتند.

دلایل اشاعه این‌گونه قصص و اقبال عامه مردم بدان‌ها را می‌توان در موارد زیر دانست:

- نقل قصه انبیا در کتب مقدس به‌ویژه تورات و انجیل سابقه داشت و پیروان این ادیان آن‌ها را دنبال می‌کردند.
- اغلب آن‌ها در قالب قصه، حدیث، نبأ و مثل در قرآن کریم آمده بود و مسلمانان از طریق قرآن با این‌گونه قصص آشنایی یافته بودند و به خواندن و شنیدن آن‌ها رغبت نشان می‌دادند.
- بیشتر حوادث و رویدادهای این‌گونه قصص واقعی بود و ریشه در تاریخ گذشته اقوام داشت لذا مردم نیز به سبب علاقه به دانستن تاریخ گذشتگان آن‌ها را دنبال می‌کردند.
- این قصه‌ها از طریق حلقه‌های تذکار و مجالس وعظ به توده‌های مختلف مردم منتقل می‌شد.
- رومیان و قصه‌گویان (قصاص) در صدر اسلام و حتی پیش از آن، این‌گونه قصص را با آب و رنگ فراوان برای توده‌های مردم نقل می‌کردند؛ از همین رو مردم بیشتر به شنیدن و خواندن آن‌ها کنجکاو می‌شدند.
- مفسران در شرح و تفصیل آیات قرآن، به نقل چنین قصه‌هایی اهتمام می‌ورزیدند و خوانندگان اثر خود را از آن‌ها آگاه می‌ساختند.
- تاریخ‌نگاران نیز سرگذشت انبیا و اخبار و احوال آنان را در کتاب‌های خود نقل می‌کردند و خوانندگان آثار خود را از وجود این قصص آگاه می‌کردند.
- این نوع قصص تأثیر اخلاقی و تربیتی مضاعفی برای جامعه در پی داشت لذا برای بهره‌گیری از نتایج و اهداف عبرت‌آموز آن‌ها به خواندن چنین متونی توجه می‌شد.
- خواندن این نوع آثار، نوعی سرگرمی برای گذران اوقات فراغت مردم محسوب می‌شد.

#### منابعی که قصص انبیا را نقل کرده‌اند.

منابع متعددی به نقل و روایت قصص انبیا پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- کتاب‌های آسمانی: از مهم‌ترین آن‌ها قرآن و کتب عهدین است. در این میان، قرآن از مستندترین منابع قابل اعتماد در این زمینه به شمار می‌آید.
- ۲- تفاسیر قرآن: تفسیر از دیرباز یکی از شاخه‌های علوم قرآنی بوده‌است و در این زمینه آثار فراوان و ارزشمندی پدید آمده‌است. در این‌گونه منابع به فراخور موضوع، فراوان به قصه پیامبران اشاره شده‌است. برخی از معروف‌ترین این

منابع (اهل تشیع و تسنن) از این قرارند: «جامع البیان فی تفسیر القرآن» از محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰) و ترجمه آن که با نام «ترجمه تفسیر طبری» معروف است. «لطایف الاشارات» از ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری (م ۴۰۵)، «تفسیر سوراآبادی» نوشته ابوبکر عتیق بن محمد هروی نیشابوری (قرن ۵)، «کشاف» تألیف ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد خوارزمی زمخشری (م. ۵۳۸)، «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن» از ابوالفتوح رازی (م. ۵۵۴)، «کشف الاسرار و عده الابرار» رشیدالدین میبدی (قرن ۶)، «عرایس البیان» روزبهان بقلی شیرازی (م. ۶۰۶)، «مدارک التنزیل و حقایق تأویل» از عبدالله بن احمد نسفی (قرن ۷)، «تفسیر القرآن العظیم» از اسماعیل بن عمر ابن کثیر (قرن ۸)، «جواهر الحسان فی تفسیر القرآن» از عبدالرحمان بن محمد ثعالبی (قرن ۹)، «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» از فتح الله کاشانی (قرن ۱۰)، «تفسیر صافی» از ملامحسن فیض کاشانی (قرن ۱۱) و «المیزان فی تفسیر القرآن» (تفسیر المیزان) از علامه سید محمدحسین طباطبایی (م. ۱۳۶۰).

۳- کتاب های تاریخی: سرگذشت انبیا وقایع تاریخی مهمی در بردارد؛ از همین رو، برخی کتاب های تاریخی به بیان قصه های پیامبران پرداخته اند. از میان آن ها می توان به کتاب هایی اشاره کرد که موضوع آن ها تاریخ عالم است و بخشی از آن ها به سرگذشت انبیا اختصاص یافته است مانند تاریخ یعقوبی احمد بن اسحاق یعقوبی (قرن ۳) که برای ذکر تاریخ پیامبران از قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی و حتی کتب عهدین، اقتباس هایی داشته است (یعقوبی، ۱۳۸۲: بیست و هفت)، تاریخ طبری یا «تاریخ امم و الملوک» از محمد بن جریر طبری که مملو از اسرائیلیات<sup>۳</sup> و آرا و عقاید اهل کتاب به ویژه یهودیان است و در نقل مطالب بیشتر به سخن راویانی نظیر وهب بن منبه اعتماد دارد (ر.ک. طبری، ۱۳۷۵) و «مروج الذهب» علی بن حسین مسعودی به سال ۳۳۲ که اطلاعاتی درباره سرگذشت انبیا دارد. از دیگر آثار مهم تاریخی در این زمینه، باید به کتاب «البدء و تاریخ» تألیف به سال ۳۵۵ هـ.ق. توسط مطهر بن طاهر مقدسی اشاره کرد. فصل دهم این اثر با عنوان «در یادکرد پیامبران و مدت عمر ایشان و سرگذشت امت های ایشان و اخبارهایشان» به داستان پیامبران اختصاص یافته است (ر.ک. مقدسی، ۱۳۷۴: ۱ تا ۱۳/۳ به بعد). «سنی ملوک الارض و الانبیا» تألیف حمزه بن الحسن الاصفهانی، «تجارب الامم» اثر ابوعلی مسکویه رازی (۴۲۱-۳۲۰ هـ.ق.) و «مجمل التواریخ و القصص» (از مؤلفی ناشناخته) از دیگر کتاب های تاریخی اند که قصه انبیا در آن ها آمده است.

۴- راویان: راویان کسانی بودند که در همان سالیان نخست اسلامی، از قصه ها و سرگذشت پیامبران آگاه بوده، آن ها را برای دیگران روایت کرده اند. نام برخی از آنان را در کتاب هایی که درباره انبیا سخن رانده اند<sup>۴</sup> می توان دید. «کعب الاحبار» (م. ۳۸ هـ.ق.)، «عبدالله بن سلام» (م. ۴۰ هـ.ق.) «ابوهریره» (م. ۵۸ هـ.ق.) و «وهب بن منبه» (م. ۱۱۰ یا ۱۱۶ هـ.ق.) از معروف ترین راویان قصصند و اغلب آنان از یهودیانی بودند که اسلام را پذیرفتند و در نتیجه روایت آن ها تحت تأثیر اسرائیلیات است.

۵- متون ادبی: در برخی آثار ادبی، به ویژه آثار ادب فارسی به داستان پیامبران برمی خوریم. این قصه ها با اجمال و ایجاز همراه بوده، بیشتر به صورت تلمیحات و اشارات بیان شده است. اشعار عرفانی و مذهبی و تعلیمی ادب فارسی سرشار از این نوع اشارات است. اگرچه «در شعر شاعران قرن چهارم و پنجم و بسیاری از شاعران قرن ششم، اشاره به داستان پیامبران از محدوده اشارات موجز قرآن فراتر نمی رود» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۷) اما در مثنوی های عرفانی شاعران عارف قرن ششم و پس از آن، داستان پیامبران، مثل داستان ها و حکایات دیگر، وسیله ای برای بیان و تعلیم اندیشه های عرفانی و انتقال آن به دیگران است. این منظور با تکیه بر معنی ظاهری داستان از راه تفسیر و با تکیه بر

معنی باطنی آن از راه تأویل و تبدیل عناصر و اجزای اصلی به مفاهیم انتزاعی برآورده می‌شود (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۴۰). عالی‌ترین نمونه‌های این‌گونه تلمیحات و اشارات و تأویلات قصص پیامبران را در حدیقه سنایی، مثنوی‌های عطار، مثنوی مولوی و کلیات شمس می‌توان دید.

۶- کتاب‌های قصص الانبیا: این آثار قصه‌های پیامبران را با استناد به آیات و احادیث و روایت راویان بیان می‌کنند. گرچه بیشتر این کتاب‌ها به شرح زندگانی انبیای الهی از آدم تا خاتم (ص) پرداخته‌اند، با این حال کتاب‌های دیگری نیز در دست است که در هر یک از آن‌ها، قصه یکی از انبیا آمده است. گفتنی است در بیشتر این منابع - جز قرآن - این قصص با شرح و تفصیل و تأویل همراه است. اگرچه اعتقاد به معجزه و رسالت پیامبران از سوی خداوند بسیاری از اعمال و حوادث خارق‌العاده این داستان‌ها را که با واقعیت و منطق عادی بشر مطابقت نمی‌کند قابل قبول و توجیه‌پذیر می‌سازد اما از آن‌جا که همیشه از یک طرف گروهی در صحت این داستان‌ها شک کرده‌اند و از طرف دیگر فرقه‌های متعدد پیدا شدند که برای اثبات حقانیت عقیده خود به تفسیر و تأویل آیات قرآنی توسل جسته‌اند، داستان‌های کتاب‌های دینی نیز در کنار آیات و مطالب، عرصه تکلفات بسیار در تفسیر و تأویل شده است (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

### قصص الانبیای دیدوزمی

برخی فهرست‌نویسان در معرفی مصنفان قصص انبیا از فردی به نام محمد بن حسن الدیدوزمی الداندورمی یا الدیرومی، دیوزمی و دیدوزی یاد کرده‌اند. قدیم‌ترین آن‌ها حاجی خلیفه است که در کتاب «کشف الظنون» ذیل قصص الانبیا آورده است: «قصص الانبیاء للکسائی و... فارسی لمحمد بن حسن الداندورمی (الدیرومی) اقتفی فیہ اثر الثعلبی» (حاجی خلیفه، ۲۰۰۷: ۲ / ۱۳۲۸).

در فهرست‌ها و کتاب‌شناسی‌های دیگر، ضمن معرفی قصص الانبیایی از «محمد بن عبدالله کسائی»، از ترجمه‌های فارسی آن با نام «نفایس العرایس و قصص الانبیاء» یاد می‌شود که به دست محمد بن حسن دیدوزمی نوشته شده است. «الذریعه الی التصانیف الشیعیه» در معرفی کتاب نفایس العرایس آورده است: «(نفایس العرایس) فی قصص الانبیاء، ترجمه فارسیه لقصص الانبیاء تألیف الکسائی، محمد بن عبدالله، مؤلف عجایب الملکوت، المذکور فی کشف الظنون. ألف الکسائی المتن العربی قبل سنه ۶۱۷ م (تاریخ إحدى نسخ الكتاب الموجوده فی المتحف البريطانی رقم 3054 or) و طبع المتن فی لیدن ۱۹۲۲ - ۱۹۲۳ و الترجمة الفارسیه لمحمد بن الحسن الدیدوزمی. یوجد نسخه منه بباریس (بلوشه، ۱۳۶۶)، کتابتها ۶۷۳. و باستانبول (عمومیه) کتابتها حدود ۹۵۰ و بغداد کَشکو، کتابتها ۹۸۳ کما فی (خطی فارسی) ص ۴۵۶۲ و مر عرائس المجالس و عرائس النفائس فی ذ ۱۵: ۳۴۳ - ۳۴۲» (طهرانی، ۱۹۷۸: ۲۴ / ۲۴۰).

جلد دوم کتاب «ادبیات فارسی بر مبنای استوری» به نقل از فهرست ادگار بلوشه، ذیل کلمه «نفایس العرایس»، آن را چنین معرفی می‌کند: «نفایس العرایس و قصص الانبیا اثر محمد بن حسن دیوزمی» (ر.ک. فهرست بلوشه: ۱ / ۳۶۶) و در ادامه می‌آورد: «کتاب نوشته به سال ۶۷۳ ه.ق. / ۱۲۷۴ م. محل نگهداری کتابخانه عمومی بایزید ترکیه» (استوری، ۱۳۶۲: ۷۲۷).

کتاب «دست‌نوشته‌های ایران (دنا)» ذیل کلمه «قصص» این اثر را چنین معرفی کرده است: «قصص الانبیاء/تاریخ پیامبران/فارسی/دیزبونی، محمد بن حسن/کاتب یوسف بن محمد بن حمید بن سعید بن احمد/خط: نسخ/نزدیک به پایان جمادی‌الثانی ۶۷۳ ه.ق.» (درایتی، ۱۳۸۹: ۸ / ۲۰۴).

در کتاب «تاریخ نظم و نثر در ایران» ذیل نفایس آمده است: «نفایس العرایس و قصص الانبیا از محمد بن حسن

دیدوزمی که در قرن پنجم به فارسی ترجمه کرده‌است» (نفیسی، 1344: 1/ 64).

مؤلف «فهرستواره کتاب‌های فارسی» مترجم قصص الانبیای کسائی را «دیدوزمی (دیدوزی)» معرفی می‌کند (ر.ک. منزوی، 1382: 1/ 488).

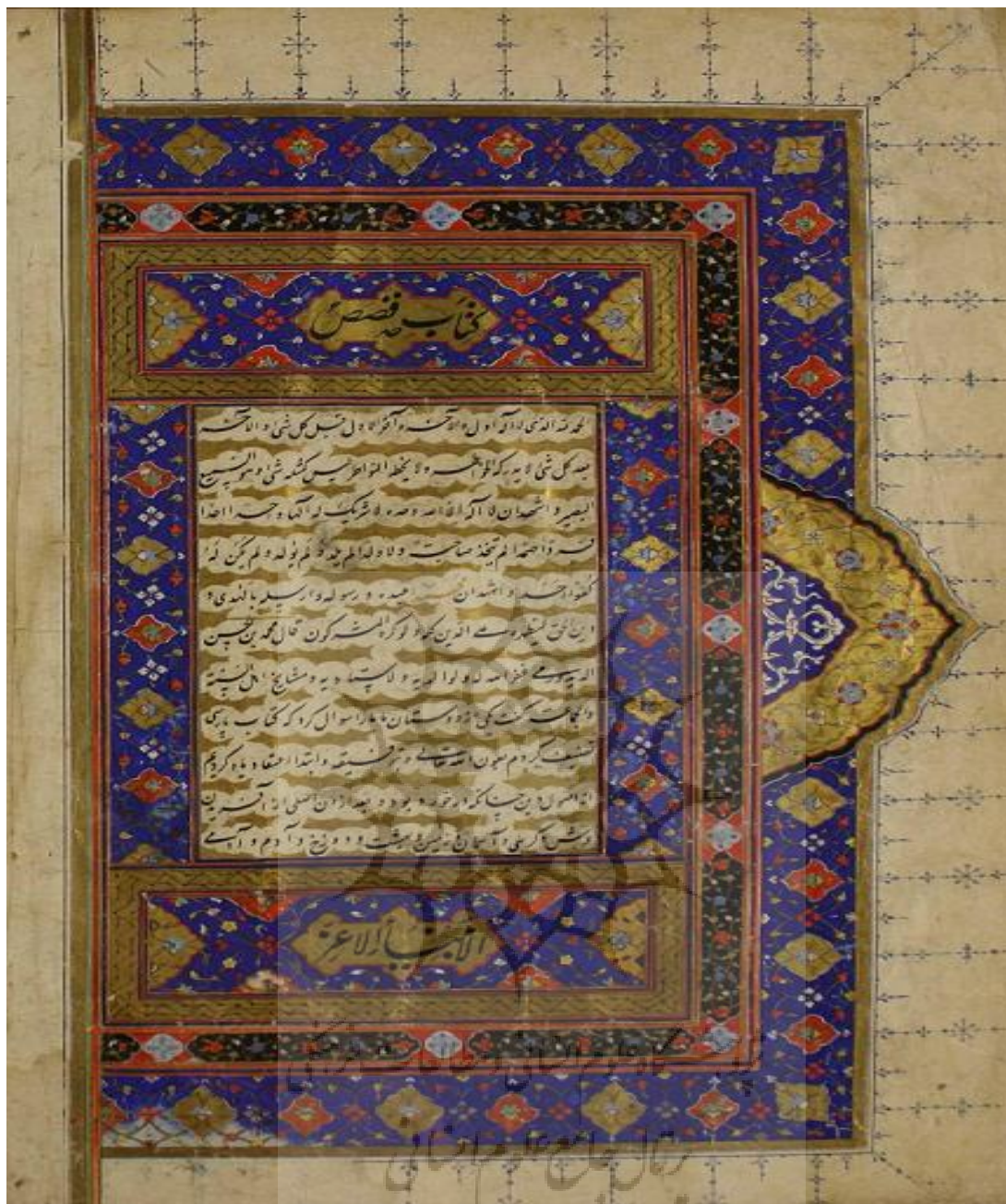
«ویلر تاکستون، مترجم انگلیسی قصص الانبیای کسائی در مقدمه کتاب خود، به نام دیدوزمی اشاره دارد و نفایس - العرایس وی را ترجمه کتاب کسائی می‌داند (Thackston, 1997: xxiii).

از نشانی‌هایی که در این منابع یاد می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

- محمد بن حسن دیدوزمی قصص الانبیایی به نام نفایس العرایس داشته است.
- قصص الانبیای دیدوزمی ترجمه فارسی قصص الانبیای محمد بن عبدالله کسائی است.
- ترجمه فارسی نسخه خطی موجود از قصص الانبیای کسائی که در سال 673 کتابت شده است و در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود، همان قصص الانبیای دیدوزمی است.
- نسخه خطی قصص الانبیای محمد بن حسن دیدوزمی موجود در کتابخانه بایزید استانبول، ترجمه‌ای از قصص الانبیای کسائی است.

از هویت و شرح حال و زمان حیات محمد بن عبدالله کسائی اطلاع چندانی در دست نیست. وی کتابی با نام قصص الانبیاء به زبان عربی نوشته که در سرزمین‌های اسلامی با اقبال عموم مواجه شده است. بروکلیمان تاریخ تألیف قصص الانبیای وی را ابتدای قرن پنجم می‌داند (بروکلیمان، 1993: 151/6) اما استوری معتقد است در قرن هفتم نوشته شده است (استوری، 1362: 727). از کتاب کسائی دو ترجمه فارسی به صورت نسخه خطی، بدون ذکر نام مترجم یا مترجمان، موجود است<sup>۵</sup> و در هیچ‌کدام از این ترجمه‌ها به نام «نفایس العرایس» و «محمد بن حسن دیدوزمی» اشاره نشده‌است؛ بنابراین در صحت و سقم گزارشی که فهرست‌نویسان مذکور در این باره می‌دهند، باید شک کرد. درباره هویت دیدوزمی نیز اطلاع چندانی در دست نیست اما قصص الانبیایی از او در دست است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی بایزید شهر استانبول ترکیه به شماره B5275 نگهداری می‌شود. نام کاتب آن ذکر نشده، تاریخ کتابت آن 950 هـ.ق. بیان شده، با خط نستعلیق نگارش یافته‌است. تعداد صفحات آن 325 برگ و در هر صفحه 18 سطر درج شده‌است. اندازه کتاب 21.7×32.5، جلد آن تیماج مذهب و سرلوحه آن نیز مذهب است. متن با حاشیه مزدوج طلایی مزین شده‌است. دو صفحه آغاز کتاب شبیه به صفحات قرآن کریم، مزین و مذهب است. از نکات برجسته این نسخه که آن را علاوه بر یک متن ادبی به اثری هنری بدل نموده‌است، مینیاتورهای زیبا از وقایع و صحنه‌های برخی قصص است. تعداد آن 42 نقاشی و همه بسیار پررنگ، شفاف، با رنگ‌بندی زیبا و روی کاغذی متفاوت ترسیم شده‌است. اندک خطاهای املائی (نظیر سطر، موصی و بخت‌النسر) در متن کتاب دیده می‌شود. با مشاهده رکابه صفحات به نظر می‌رسد ترتیب برخی از آن‌ها به هم خورده، صفحه‌ای چند از پایان کتاب افتاده است. با آن‌که آثار رطوبت در آن دیده می‌شود اما متن بسیار واضح و خوانا و در حاشیه‌های یک دست نگاشته شده است. آیات و احادیث در آن به رنگ طلایی و گاه با شن‌گرف تحریر شده‌است. نام مؤلف آن «محمد بن الحسن الدیدوزمی» ذکر شده‌است.





تصویر ۱: صفحه نخست نسخه کتابخانه بایزید استانبول

به احتمال قریب به یقین و با دلایل زیر می‌توان گفت این اثر ترجمه قصص الانبیای کسائی نیست:

الف- در هیچ بخش از متن کتاب، چه در مقدمه و چه مؤخره و حتی در صفحه انجامه آن، به نام محمد بن عبدالله الکسائی اشاره‌ای نشده‌است. تنها در صفحه بدرقه و صفحه پایانی کتاب، نام و مُهر «بزم عالم سلطان، والده عبدالمجید اول»<sup>۶</sup> آمده‌است که کتاب را در تاریخ ۱۲۶۶ هجری قمری، گویا وقف کتابخانه بایزید کرده‌است.

ب- مؤلف، داستان‌های کتاب خود را از پدر خویش، حسن بن عبدالله، و از فقیهی شنیده‌است. وی در یکی از صفحات آغازین کتاب به این امر اشاره دارد: «ما این کتاب بر خط پدر خویش خواندیم، الحسن بن عبدالله رحمه الله علیه و سماع از فقیه اجل العالم الواعظ ابوالفوارس الحجاج بن عبدالله<sup>۷</sup> کردیم به قرائت خویش و چندان‌که اندر خورد

بود، اندرین کتاب آوردیم» (دیدوزمی، ۸ الف).

ج- محتویات این کتاب در مقایسه با متن ترجمه‌های فارسی اثر کسائی بسیار متفاوت است. مصنف، متفاوت با آنچه در اثر کسائی آمده‌است، پس از بیان تحمیدیه کوتاهی به زبان عربی، آورده‌است: «قال محمد بن الحسن اللیدوزمی غفر الله له و والديه و الاستاديه و مشايخ اهل سنته و الجماعه گفت یکی از دوستان ما، ما را سؤال کرد که کتاب فارسی تصنیف کردم به عون الله تعالی و به توفیقه... ابتدا اعتقاد یاد کردیم از اصول دین، چنان‌که در خورد بود و بعد از آن اصلی از آفریدن عرش و کرسی و آسمان و زمین و بهشت و دوزخ و آدم و آدمی بگفتیم و بعد از آن نور مصطفی صلی‌الله‌علیه و آله و سلم یاد کردیم و هر چیزی که سزای این کتاب بود، از فضایل اعمال، گفته‌آمده‌است تا آن کسی که این کتاب دارد، از دیگر کتابها مستغنی باشد» (دیدوزمی: ۱ الف)

وی مطالب کتاب خود را با «باب شناختن اصول دین»، «باب بناء اسلام» و «باب ارکان‌های ایمان» در موضوع فضایل اعمال و حکمت و بیان اقابیل مشایخ آغاز کرده‌است و سپس با طرح پرسش‌هایی که گاه رنگ و بوی کلامی می‌دهد، خود به پاسخ آن‌ها مبادرت کرده‌است: «روایت است از ابوالحسن مروزی رحمه الله که گفت: دلم سخت مشغول شد بدین آیه الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى. پیغامبر علیه السلام در خواب دیدم؛ گفتم معنی این آیه چیست؟ پیغامبر اندر من نظر کرد و فرمود سوره لقمان دانی؟ گفتم بلی! گفت آخرش برخوان و از من غایب شد. بدانستم که پیغامبر اشارت به آخر این سوره از بهر آن کرد که علم استوی به جز خدای تعالی کس نداند» (دیدوزمی: ۵ الف). «اگر پرسند که معنی این آیه چیست که خدای فرمود که الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى از صفتهای ذاتست نه از صفتهای فعل که نشاید که خدای تعالی را حد نهند که وی را حد نیست و نه محتاجست به جایگاه. اگر گویند که استوی اندر لغت آن باشد راست باشند بر هر چیزی، چنان‌که گویند استوی فلان قاعد علی السریر، جواب بگو که اگر استوی باری تعالی بر عرش است، آنکه که عرش نبود، استوایش کجا بود زیرا که او بود و هیچ چیزی نبود و او باشد؛ هیچ چیز نباشد، دلیل است که او به عرش محتاج نباشد» (دیدوزمی: ۴ الف).

مؤلف ضمن یادکردی از بزرگان سلف، سخن خود را در باب «ابتدای آفریدن آفریده‌ها» ادامه می‌دهد و از نور مصطفی، قصه عرش و کرسی، فرشتگان، قلم و لوح، دوزخ و بهشت سخن می‌راند و در ادامه، به بیان داستان انبیا می‌پردازد اما سرآغاز قصه‌های کتاب کسائی پس از تحمیدیه‌ای نسبتاً مفصل، «قصه آفرینش لوح و قلم و عرش و کرسی» است.

د- دیدوزمی به برخی از قصه‌هایی که در اثر کسائی آمده‌است، نظیر قصه شیث، موسی بن میشا، یوشع بن نون، یوشافاس، یسع، اشعیا، حزقیل و خروج مهدی (عج) اشاره‌ای ندارد (ر.ک. کسائی، ۱۹۹۲). در عوض، قصه‌های ذوالکفل، ذوالقرنین، اصحاب کهف، بخت النصر و دانیال، غزیز، حضرت محمد (ص)، علی (ع) و حسن بن علی (ع) را در اثر او می‌توان خواند.

و- وی برخلاف نظر کسائی که با استناد به قول راویان، نخستین آفریده خدا را لوح دانسته‌است: «قال ابن عباس اول ما خلق الله اللوح الم محفوظ» (کسائی، ۱۹۲۲: ۶)، معتقد است که لوح پس از قلم آفریده شد. نور مصطفی (نور محمدی) نخستین آفریده است و خاطر نشان می‌سازد: خدای تعالی هر چیزی را که آفرید، از نور مصطفی آفرید (دیدوزمی: ۹ الف).

ز- دیدوزمی در میانه داستان بخش‌های کوتاهی با عنوان‌های «لطیفه» و «حکایت» می‌آورد. چنین ساختاری در متن قصه‌های کسائی دیده نمی‌شود.



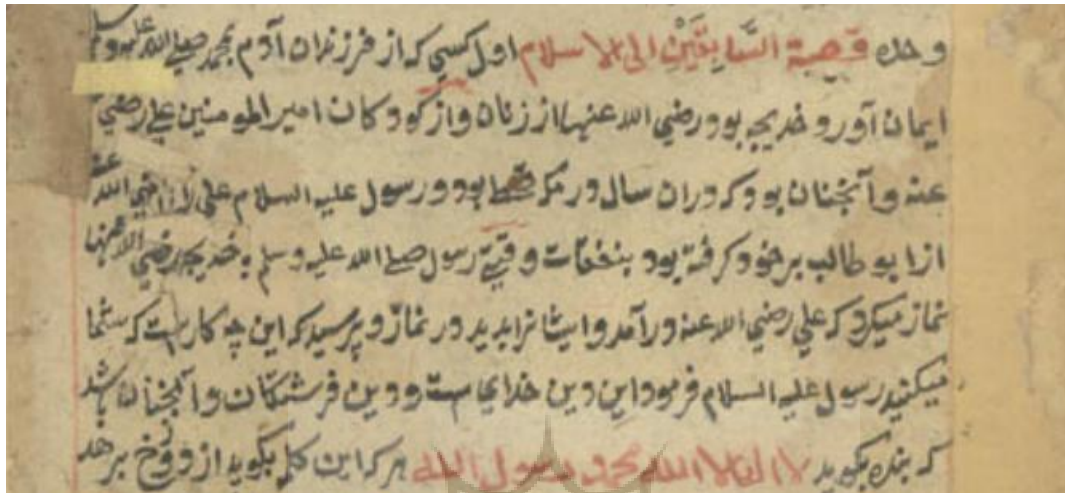
دیدوزمی در ابتدای کتاب قصص الانبیا، برخی موارد را به اجمال می‌آورد و تصریح می‌کند: «اندر حدیث اربعین گفته‌ایم» (دیدوزمی: ۵ ب). این سخن گویای آن است که وی کتاب دیگری به نام «حدیث اربعین» داشته است. درباره حدیث اربعین و اربعینات کتاب‌های بسیاری تألیف شده است اما از کتاب دیدوزمی نشانی به دست نیامد. پیشتر اشاره شد که تحریر نسخه خطی قصص الانبیای دیدوزمی در قرن دهم هجری صورت گرفته است اما در نشر آن، آثار کهنگی را می‌توان مشاهده کرد. گرچه از زمان واقعی حیات مؤلف اطلاعی در دست نیست اما به نظر می‌رسد نگارش آن نباید قبل از قرن هفتم صورت گرفته باشد. شاهد این احتمال، ابیاتی است که ضمن داستان موسی با عنوان «ابیات فی معنی لن ترانی» آمده است:

به هر کویی مرا تا کی دوانی	ز هر زهری مرا تا کی چشانی
به رود انداختن ز اول رهی را	پس آنکه بر در دشمن نشانی
وزان پس دیگرم دادی غریبی	به مزدوری شعیم را شبانی
پس آنگاهی به تاریکی شب سرد	ز دورم مر مرا آتش نمائی
وزان پس چون غریبان گرد عالم	از این شهرم بدان شهرم دوانی
ایا موسی سخن گستاخ کردی	تو آنی کم شعیم را شبانی
شبانی را کجا آن زهره باشد	که تو بی واسطه او را بخوانی
وز آن پس هم به کوه طور سینا	شراب الفت وصلم چشانی
چو گشتم مست گفتم رب ارنی	جواب آید که موسی لن ترانی

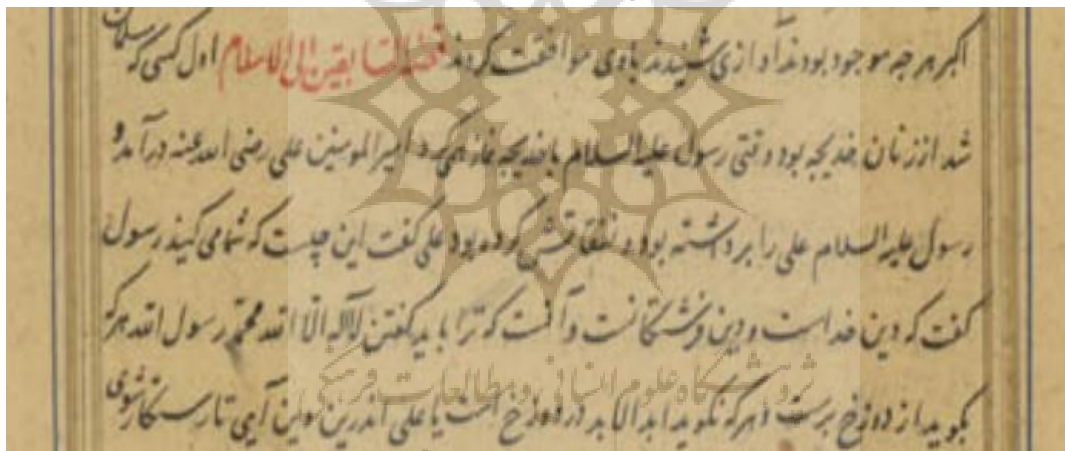
(دیدوزمی: ۱۶۶ الف)

برخی از این ابیات را در غزلی از شیخ فریدالدین عطار (۶۲۷-۵۳۷ ه.ق.) می‌توان یافت (ر.ک. عطار، ۱۳۶۸: ۶۶۱، غزل ۸۲۴). در صورت صحت انتساب این ابیات به عطار، نباید زمان تصنیف قصص الانبیای دیدوزمی را قبل از قرن هفتم دانست در حالی که برخی از جمله سعید نفیسی، زمان تصنیف این کتاب را قرن پنجم دانسته‌اند (ر.ک. نفیسی، ۱۳۴۴: ۶۴/۱). نگارندگان با مراجعه به نسخ خطی کتابخانه‌های معتبر در ایران، نسخه دیگری از این اثر را در میان مجموعه نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی یافتند. این اثر با عنوان قصص الانبیا (تکمله اللطایف و نزهه الظرایف احمد بن محمد بن منصور ارفنجی) به شماره IR۲۸۶۶ به ثبت رسیده است. تاریخ کتابت آن قرن دهم و به خط نستعلیق است. در یادداشت کلی این نسخه آمده است: «ترجمه و گزارشی از قصص الانبیای ابواسحاق بن ابراهیم بن خلف نیشابوری».<sup>۸</sup> صفحه نخست و چند صفحه از پایان این نسخه افتاده است اما متن آن دقیقاً شبیه نسخه خطی قصص الانبیای دیدوزمی متعلق به کتابخانه بایزید استانبول است، تنها از نقاشی‌های مینیاتور در آن استفاده نشده است. پس از بررسی دقیق و مقایسه محتوای متن این دو نسخه، با متن نسخه عربی قصص الانبیای کسائی و نسخ خطی ترجمه‌های فارسی آن و نیز قصص الانبیای نیشابوری، هیچ‌گونه نشانه‌ای مبنی بر این که کتاب دیدوزمی ترجمه‌ای از اثر کسائی و یا گزارشی از قصص الانبیای ابواسحاق بن ابراهیم بن خلف نیشابوری باشد، به دست نیامد. سپس متن آن با دیگر آثاری از این دست، به ویژه یکی از کهن‌ترین داستان‌های انبیا به فارسی به نام تاج القصص مقایسه گردید. تاج القصص در حدود سال ۴۷۵ هجری در حوزه فرهنگی خراسان بزرگ، به خامه ابونصر احمد بن محمد بخاری نگاشته شده است. وی مطالب این کتاب را از استادش، ابوالقاسم محمود جیهانی، در بلخ گرفته است (ر.ک. بخاری، ۱۳۸۶). در این مقایسه،

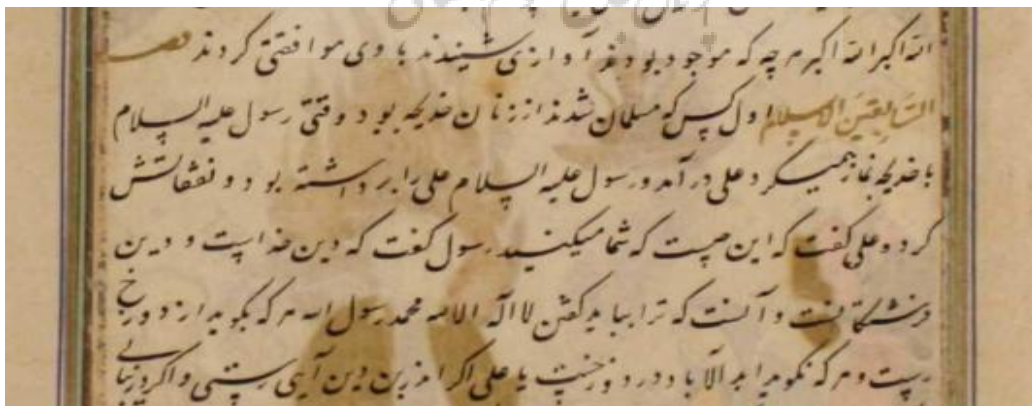
شبهات‌های بسیاری میان روایت‌های این اثر و قصص الانبیای دیدوزمی مشاهده شد. همین امر ظن نگارندگان را متوجه آن ساخت که به احتمال قریب به یقین، اثر دیدوزمی می‌تواند برداشتی از تاج‌القصص و یا تحریر جدیدی از آن باشد. با این حال می‌توان گفت عقیده فهرست نویسانی که قصص الانبیای دیدوزمی به نام نفایس العرایس را ترجمه فارسی قصص الانبیای کسائی دانسته‌اند، خطا بوده‌است.



تصویر ۲: از تاج‌القصص، نسخه کتابخانه مجلس



تصویر ۳: از قصص الانبیای دیدوزمی، نسخه کتابخانه مجلس



تصویر ۴: از قصص الانبیای دیدوزمی، نسخه کتابخانه بایزید استانبول

نسخه خطی دیگری از این اثر در کتابخانه موزه توپقاپی سرای استانبول ترکیه نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت آن سال ۹۸۳ ه.ق. درج شده، به شماره TSMK B.۲۵۰ به ثبت رسیده است. نام مؤلف آن محمد بن الحسن الدیدوزمی آمده است اما کاتب آن ذکر نشده است. این اثر نیز با ۲۱ مینیاتور زیبا و در ۲۷۶ صفحه و اندازه ۳۵×۲۳ فراهم آمده است. کتاب با خط نستعلیق تحریر شده، محتویات آن نیز کاملاً شبیه به نسخه کتابخانه بایزید استانبول و نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است.



تصویر ۵: از نسخه کتابخانه موزه توپقاپی سرای

#### نتیجه

فهرست‌نویسان و کتابشناسان، قصص الانبیای محمد بن حسن دیدوزمی را ترجمه فارسی قصص الانبیای محمد بن عبدالله کسائی دانسته اند و آن را با نام نفایس العرایس آورده‌اند. در این پژوهش، ضمن مطابقت متن کتاب دیدوزمی و



ترجمه‌های فارسی قصص الانبیای کسائی و با استناد به قرائن و نشانه‌های درون متنی و برشمردن تفاوت‌ها در آرا و نیز ساختار قصص و شخصیت‌پردازی داستان‌ها، دلایلی ارائه شد که مشخص می‌کند میان این دو اثر هیچ‌گونه ارتباطی نیست و گزارش فهرست نویسان در این باره نادرست است. در مقایسه متن کتاب دیدوزمی با کتاب تاج القصص ابونصر بخاری مشاهده می‌شود که میان آن‌ها شباهت‌های فراوانی است و می‌توان گفت قصص الانبیای دیدوزمی بازنویسی و برداشت آزادی از متن کتاب تاج القصص است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱- تورات یا کتاب‌های شریعت شامل پنج کتاب است: «پیدایش (که مبادی جهان شروع می‌شود)، خروج (که با خروج حضرت موسی از مصر آغاز می‌شود)، لاویان (که حاوی قوانین سبط لاوی است)، اعداد و تثیبه. (برای آگاهی بیشتر ر.ک. عهد عتیق، ۱۳۹۳: ۱۰۱ به بعد).

۲- «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ» (یوسف، ۱۱۱) و «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفْصَلُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (نمل، ۷۶).

۳- واژه اسرائیلیات جمع اسرائیلیه است و اسرائیل، نامی برای یعقوب پیامبر بوده است. این اصطلاح به آن دسته از روایات و قصص و مفاهیم اشاره دارد که نه از قرآن و احادیث نبوی بلکه در تعالیم امم پیشین به ویژه بنی‌اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریان‌های است از داستان‌سرایی، اسطوره‌پردازی و وجوهی دیگر از تعالیم غیر اصیل که به ویژه در سده‌های نخست هجری توسط گروهی - بیشتر از یهودیان اسلام آورده- صورت گرفته‌است و به حاشیه آموزش‌های مسلمانان راه یافته است (حاج منصور، ۱۳۶۷: ۲۹۰/۱).

۴- از جمله در تاریخ طبری و کتاب‌های قصص انبیا نظیر قصص الانبیای نیشابوری، قصص الانبیای کسائی، قصص الانبیا ثعلبی (ثعلبی، ۲۰۰۶)، قصص الانبیای راوندی (راوندی، ۱۴۰۹) و قصص الانبیای پوشنجی (پوشنجی، ۱۳۸۴) و... نام آن‌ها آمده، اقوال آنان روایت شده‌است.

۵- یکی از این نسخه‌ها به شماره R7843 متعلق به کتابخانه ملی پاریس است و میکروفیلم آن در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ثبت و موجود است (ر.ک. دانش پژوه، ۱۳۴۸). نسخه دیگر در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم به شماره ۴۴۵۹ نگهداری می‌شود.

۶- پادشاه عثمانی بین سال‌های ۱۸۶۱-۱۸۳۹

۷- درباره این شخصیت اطلاعاتی به دست نیامد.

۸- حاجی خلیفه نیز معتقد است که دیدوزمی در تصنیف اثر خود از قصص الانبیای نیشابوری پیروی کرده است (ر.ک. حاجی خلیفه، ۲۰۰۷: ۱۱۲۸/۲).

#### منابع

۱- قرآن کریم.

۲- عهد عتیق. (۱۳۹۳). ترجمه پیروز سیار. تهران: هرمس.

۳- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۹۶۹). المعارف. قاهره: دارالمعارف مصر.

- ۴- ارفنجی، احمد بن محمد بن منصور. نسخه خطی فارسی قصص الانبیا، تکمله اللطائف و نزهه الظرائف. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. به شماره IR۲۸۶۶.
- ۵- استوری، چارلز آمبروز. (۱۳۶۲). ادبیات فارسی بر مبنای استوری. ترجمه یحیی آرین‌پور و همکاران. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۶- بخاری، ابونصر احمد بن محمد. (۱۳۸۶). تاج القصص. تصحیح سید علی آل داود. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۷- بخاری، ابونصر احمد بن محمد. نسخه خطی فارسی تاج القصص. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. به شماره ثبت ۸۷۳۹۲
- ۸- بروکلمان، کارل. (۱۹۹۳). تاریخ الادب العربی. قاهره: دارالمعارف مصر.
- ۹- بوشنجی، ابوالحسن بن الهیثم. (۱۳۸۴). قصص الانبیا. ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله الحنفی التستری. تصحیح عباس محمدزاده. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۱۰- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۴). داستان پیامبران در کلیات شمس. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۱- ----- . (۱۳۸۹). رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۲- ثعلبی، احمد بن محمد. (۲۰۰۶). قصص الانبیاء (المسمی عرائس المجالس). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۳- حاج منصور، فرامرز. (۱۳۶۷). اسرائیلیات. دایره المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی (۲۹۰/۱). تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۴- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (۲۰۰۷). کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون. بیروت: دارالفکر.
- ۱۵- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۶- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرستواره دستنوشته های ایران (دنا). تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس.
- ۱۷- دیدوزمی، محمد بن حسن. نسخه خطی فارسی قصص الانبیا. کتابخانه بایزید استانبول. به شماره B۵۲۷۵.
- ۱۸- راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۹). قصص الانبیاء از آدم تا خاتم (ص). مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۹- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ امم و الملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- ۲۰- طهرانی، شیخ آقا بزرگ. (۱۹۷۸). الدرر الیه الی تصانیف الشیعیه. نجف: مکتبه صاحب الذریعه.
- ۲۱- عطار، فریدالدین محمد. (۱۳۶۸). دیوان. تصحیح تقی تفضلی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۲- کسائی، محمد بن عبدالله. (۱۹۲۲). قصص الانبیاء. تصحیح ایزاک ایزنبرگ. لیدن: بریل.
- ۲۳- ----- . (۱۹۹۸). بدء الخلق و قصص الأنبیاء. تصحیح طاهر بن سالمه. تونس: دارالنقوش العربیه.
- ۲۴- کسائی. نسخه خطی ترجمه فارسی قصص الانبیا. کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی قم. به شماره ۴۴۵۹.
- ۲۵- کسائی. نسخه خطی ترجمه فارسی قصص الانبیا. کتابخانه ملی پاریس. به شماره R7843.
- ۲۶- کسائی. نسخه خطی عربی قصص الانبیا. دانشگاه ملک سعود عربستان. ۵۹۶۱ ف ۲/۱۷۳۱.
- ۲۷- کسائی. نسخه خطی عربی قصص الانبیا. دانشگاه میشیگان امریکا. به شماره IL۲۸۷a.
- ۲۸- محمد الحبشی، عبدالله. (۲۰۰۴). مصادر الفكر الاسلامی فی الیمن. ابوظبی: المجمع الثقافی.
- ۲۹- مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. ترجمه و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.



- ۳۰- منزوی، احمد. (۱۳۸۲). فهرستواره کتاب‌های فارسی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۳۱- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران. تهران: فروغی.
- ۳۲- هاشم پور سبحانی، توفیق. (۱۳۷۲). فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه های ترکیه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۳- یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. مترجم محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- 34- Thackston, Wheeler M. (1997). *Tales Of The Prophets Of Al'Kisa'I*, USA, KAZI publication



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی